

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۰/۰۶

صوفیه ابراهیمی

## یادگاری ماند و من



عاشقان رفتند و چشم اشکباری ماند و من  
از غم بی حاصلیها، کوه نوردی ماند و من  
وای من یارای رفتن داشت روزی پای من  
کاروان در کاروان رفتند و باری ماند و من  
بی نهایت بالهای شوق، بالایی شدند  
قامتی گمگشته در حجم غباری ماند و من  
يك بیابان تشنه لب روید از هر دم شهید  
شرح داغ آفتاب به مزاری ماند و من  
در هیاهوی انالحد صد گلو یاهوی سرخ  
با سر شوریده در معراج داری ماند و من  
نبض شورای شقایقها همه عشق است و داغ  
داغ بر دل بی شقایق روزگاری ماند و من  
تا کدامین دست، برایت انتظارم بشکند  
در حصار سینه ام، ساعت شماری مند و من  
این غزل هم در بهار عشق و احساس و عطش  
از عبور سینه سرخان، یادگاری ماند و من

د پانو شمیره: له 1 تر 1